

## اخبار و گزارش های کارگری 20 دی ماه 1403

- ضرورت مخالفت معلمان با حکم اعدام

به بهانه تایید حکم اعدام پخشان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی

- تجمع اعتراضی خانواده های جان باختگان آتش سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود نسبت به عدم پاسخگویی مسئولان با بنر: «ما بخاطر نبود نظارت بر کمپ ها همسر و فرزند از دست دادیم اما دو سال است مسئولان صدای ما و جانباختن ما و عزیزان ما را نادیده گرفته اند»

- اعضای سندیکا، ابراهیم مددی، داود رضوی و فعالین کارگری ریحانه انصاری نژاد و آیشا اسداللهی را آزاد کنید!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی و مدنی زندانی در کشور است.

- صدور قرار وثیقه برای یک مدیر مدرسه در قزوین

- کانون نویسندگان ایران:

محکومیت احمد درخشان، نویسنده و معلم به «یک سال حبس تعزیری» همراه با «مجازات های تکمیلی»

- عثمان اسماعیلی:

بهمن زمانی، پدر شاهرخ زمانی فعال کارگری متأسفانه از میان ما رفت.

- جان باختن یک کارگر در کامیاران بر اثر سقوط از ارتفاع

\*\*\*\*\*

\*ضرورت مخالفت معلمان با حکم اعدام

به بهانه تایید حکم اعدام پخشان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی

جعفر ابراهیمی

این نوشته خطاب به معلمانی است که با اعدام مخالفان، به ویژه معلمان پیشرو و آگاهی که همواره با هرگونه خشونت و سرکوب مقابله می کنند و تلاش دارند در ساختار سرکوبگرانه نظام آموزشی و مدرسه نقش سرکوبگر ایفا نکنند. این معلمان وظیفه دارند در برابر بالاترین سطح خشونت در جامعه، یعنی خشونت ساختاری و هدفمند مانند اعدام، سکوت نکنند و علیه آن موضع گیری کنند. چگونه می توان مخالف خشونت در مدرسه بود اما در برابر خشونت در جامعه سکوت کرد؟

هیچکس بهتر از صادرکنندگان حکومتی احکام اعدام نمی داند که اعدام نه تنها عملی بازدارنده نیست، بلکه ابزاری برای سرکوب و کنترل جامعه است. هدف این نوشته پرداختن به چرایی مخالفت با اعدام

نیست، بلکه تأکید بر این است که گسترش اعدام تنها به حکومت محدود نمی‌شود، بلکه عوامل دیگری نیز در آن نقش دارند.

در ایران، اعدام به ابزاری تبدیل شده که حکومت از آن برای تثبیت قدرت و سرکوب جامعه بهره می‌برد. همگان آگاه‌اند که مبانی حقوقی، قضایی، بازرندگی و حتی دینی اعدام امروز با چالش‌های جدی مواجه است. با این وجود، حکومت با استفاده از اتهامات گوناگون و بهانه‌های مختلف، به صدور احکام اعدام ادامه می‌دهد. این روند به‌ویژه در ماه‌های اخیر شدت گرفته است. صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و عقیدتی و همچنین برای زندانیانی با جرایمی نظیر مواد مخدر، قتل و سرقت، نشان از آن دارد که هدف اصلی حکومت، ایجاد رعب و کنترل جامعه است.

طبق آخرین آمار، دست‌کم ۵۴ زندانی سیاسی و عقیدتی به اعدام محکوم شده‌اند. در عین حال، در پنجاهمین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، احکام اعدام برخی زندانیان سیاسی نظیر پخش‌ان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی تأیید شده است. این زندانیان در کنار دیگر محکومان قرار دارند که اجرای احکامشان قریب‌الوقوع است. اما مسئله تنها به حکومت محدود نمی‌شود؛ سکوت جامعه در برابر این سرکوب نیز نقش مهمی در استمرار این روند دارد. جامعه‌ای که در برابر اعدام بی‌تفاوت است، عملاً با این خشونت همراهی می‌کند.

علاوه بر حکومت و جامعه، بخش دیگری نیز در گسترش اعدام نقش دارد؛ افرادی که خود را فعال حقوق بشر یا مخالف اعدام معرفی می‌کنند و از این عنوان برای کسب اعتبار و منافع شخصی بهره می‌برند. واقعیت این است که اگر زندانی وجود نداشته باشد یا مبارزه‌ای شکل نگیرد، این افراد موضوعی برای دفاع نخواهند داشت. متأسفانه، برخی از این افراد نه تنها در برابر اعدام سکوت می‌کنند، بلکه با برخورد گزینشی و به حاشیه راندن برخی محکومان، عملاً به تقویت سرکوب کمک می‌کنند. این گروه که حقوق بشر را به صنعتی سودآور تبدیل کرده‌اند، با سکوت گزینشی یا تمرکز بر موارد خاص، نقش مؤثرتری در بی‌عدالتی نسبت به مردم عادی دارند. گویی از نگاه آنان، برخی افراد مستحق حمایت نیستند، مگر آنکه با عقاید یا اهداف آنان همسو باشند.

برای مخالفت مؤثر با اعدام، باید این رویکردهای گزینشی و منفعت‌طلبانه را نقد و افشا کرد. وظیفه ما این است که از هرگونه تفکیک عقیدتی، سیاسی، ملیتی و جنسیتی در موضوع اعدام فاصله بگیریم و با هر شکلی از اعدام مخالفت کنیم. بدون شک، همان‌طور که زندانیان اعتصابی در کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» تأکید کرده‌اند، تنها راه توقف ماشین اعدام، اتحاد و عمل جمعی است. اگرچه این مسیر دشوار است، اما با کنار گذاشتن رفتارهای فرقه‌گرایانه و اتخاذ رویکردی انسانی و جمعی، می‌توان به نتیجه رسید.

این مسئولیت، به‌ویژه بر دوش معلمانی است که وظیفه خود را فراتر از اجرای بخشنامه‌ها و برنامه‌های درسی سرکوب‌گرانه تعریف کرده‌اند. آگاهی‌بخشی به جامعه و ایجاد اتحاد برای مقابله با اعدام، بخشی از مسئولیت انسانی و اجتماعی آنان است. تنها با این رویکرد می‌توان به ساختن جامعه‌ای عاری از خشونت و سرکوب امید داشت.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

**\*تجمع اعتراضی خانواده‌های جان باختگان آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود نسبت به عدم پاسخگویی مسئولان با بنر: «ما بخاطر نبود نظارت بر کمپ‌ها همسر و فرزند از دست دادیم اما دو سال است مسئولان صدای ما و جانباختن ما و عزیزان ما را نادیده گرفته‌اند»**

براساس گزارش و تصویر منتشره در شبکه‌های اجتماعی، روز چهارشنبه 19 دی، خانواده‌های جان باختگان آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود برای اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان دست به تجمع در این شهرستان در استان گیلان با بنر: «ما بخاطر نبود نظارت بر کمپ‌ها همسر و فرزند از دست دادیم اما دو سال است مسئولان صدای ما و جانباختن ما و عزیزان ما را نادیده گرفته‌اند» زدند و خواهان روشن شدن علت این فاجعه 12 آبان 1402 که 36 کشته برجا گذاشت شدند.



**\*اعضای سندیکا، ابراهیم مددی، داود رضوی و فعالین کارگری ریحانه انصاری‌نژاد و آنیشا اسداللهی را آزاد کنید!**

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری، معلمی، دانشجویی و مدنی زندانی در کشور است.

سندیکا همچنین به طور مشخص خواستار آزادی فوری دو عضو زندانی خود، ابراهیم مددی و داود رضوی و همچنین فعالین کارگری و حامیان زندانی سندیکا، ریحانه انصاری‌نژاد و آنیشا اسداللهی می‌باشد.

ابراهیم مددی، عضو ثابت قدم و نایب رئیس هیأت مدیره سندیکا، از ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ برای گذراندن یک سال حبس ناعادلانه مربوط به سال ۱۳۹۴، در بند ۸ زندان اوین محبوس است. او پیش‌تر نیز یک بار سه سال و نیم و بار دیگر حدود چهار ماه زندانی بوده است. همچنین، او بارها بازداشت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت را تجربه کرده و پیش از بازنشستگی اجباری سال‌ها از کار اخراج شده بود و هزینه‌های سنگینی را متحمل شده است. ابراهیم مددی، با حدود هفتاد سال سن و ابتلا به بیماری‌های متعدد، به هیچ عنوان از شرایط جسمانی مناسبی برخوردار نیست.

داود رضوی، عضو هیأت مدیره سندیکا و از فعالین پایدار سندیکا که از سال ۱۳۸۳ تاکنون بی‌وقفه فعالیت داشته، ۵ مهر ۱۴۰۱ بازداشت شده و به‌صورت ناعادلانه به پنج سال حبس محکوم گردیده است. او هم‌اکنون در بند ۴ زندان اوین محبوس است. داود رضوی پیش از این نیز بارها بازداشت و یک بار به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شده بود. داود رضوی از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد و تداوم حبس باعث تشدید این بیماری‌ها شده است. با این وجود، به ایشان حتی یک روز مرخصی نیز داده نشده است.

ریحانه انصاری‌نژاد، فعال کارگری و از حامیان سندیکا، از ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت و به چهار سال حبس ناعادلانه محکوم شده است. او هم‌اکنون در بند زنان زندان اوین محبوس است. ریحانه که پیش‌تر نیز سابقه بازداشت داشته، همواره سرپرستی تنها دخترش را بر عهده داشته و اکنون با شرایطی دشوار مواجه است. ایشان در ماه‌های اخیر، حتی از ملاقات حضوری با دخترش نیز محروم شده است.

آنیسا اسداللهی، معلم، مترجم سندیکا و از حامیان طبقه کارگر، در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت و در دیوان عالی کشور به سه سال و هفت ماه حبس ناعادلانه محکوم شد. او نیز در بند زنان زندان اوین محبوس است. آنیسا پیش‌تر در مناسبت‌هایی نظیر روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۸ نیز بازداشت شده بود. مسئولان زندان چندین ماه بوده است که از ملاقات حضوری او جلوگیری کرده بودند.

سندیکای کارگران شرکت واحد تأکید می‌کند که تداوم حبس اعضای سندیکا و بازداشت کارگران و فعالین کارگری فاقد هرگونه جاهت قانونی و انسانی است. کلیه فعالین کارگری زندانی باید فوراً آزاد شده و به پرونده‌سازی‌های کاذب و اذیت و آزارها پایان داده شود!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۰ دی ۱۴۰۳

### **\*صدور قرار وثیقه برای یک مدیر مدرسه در قزوین**

بنا به اخبار رسیده به شورای هماهنگی، در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۴۰۳ در بازپرسی شعبه ۱ دادسرای عمومی و انقلاب قزوین به پرونده فعال صنفی معلمان خانم کبری طاهرخانی رسیدگی شد.

در این جلسه پس از تفهیم اتهام (تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری)، بازپرس پرونده با قرار آزادی با وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی موافقت کرد.

کبری(پری)طاهرخانی با ۲۶ سال سابقه هم اکنون در دوره اول متوسطه مدیر دبیرستان است.

پیشتر در ۱۲ آذرماه ماموران اطلاعات سپاه قزوین ابتدا منزل این معلم را تفتیش و لپ تاپ و تلفن همراه ایشان را ضبط و سپس چندین ساعت او را مورد بازجویی قرار داده بودند .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از خانم طاهرخانی، امیدوار است برای این مدیر خوشنام قرار منع تعقیب صادر شود.

### **\*کانون نویسندگان ایران:**

محکومیت احمد درخشان، نویسنده و معلم به «یک سال حبس تعزیری» همراه با «مجازات‌های تکمیلی»

احمد درخشان، نویسنده و معلم به «یک سال حبس تعزیری» همراه با «مجازات‌های تکمیلی» محکوم شد.

دادگاه انقلاب کرج اتهام احمد درخشان را «فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی» اعلام کرده است. دادگاه همچنین درخشان را به «ارسال پیام‌های هنجارشکنانه از طریق فضای مجازی» نیز متهم کرده است. این نویسنده علاوه بر یک سال حبس به «منع از خروج کشور»، «منع عضویت در گروه‌ها و دستجات اجتماعی»، «منع اشتغال به شغل معلمی» و «انفصال از خدمات دولتی و عمومی به مدت ۲ سال از تاریخ اتمام اجرای حکم» نیز محکوم شده است.

درخشان پیش‌تر در صفحه‌ی اینستاگرام خود خبر داده بود که در «شعبه‌ی ۱۳ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب کرج» مورد بازجویی قرار گرفته است.

احمد درخشان داستان‌نویس است و از جمله آثار او می‌توان به «تغییر مسیر باد غدغن است» و «مهمانی» اشاره کرد.

### **\*عثمان اسماعیلی:**

بهمن زمانی، پدر شاهرخ زمانی فعال کارگری متأسفانه از میان ما رفت.

پدر شاهرخ زمانی، انسان شریف و آزادی‌خواه و برابری‌طلب که در صف جنبش کارگری بوده.

پسرش شاهرخ زمانی یکی از چهره‌های خوش‌نام و فعال کارگری متأسفانه در تاریخ بیست و دوم شهریور هزار و سیصد نود چهار در کرج در زندان رجایی در اثر سکته مغزی به گفته‌ی مسئولان زندان درگذشت.

خسارت بزرگی به جنبش کارگری و تشکل‌های کارگری بود.

من به نوبت خودم در غم از دست دادن پدر شاهرخ زمانی (بهمن زمانی) خود را شریک میدانم و به اعضای خانواده ایشان و دوستان و همفکرانش و همینطور به جنبش کارگری تسلیت عرض میکنم.

راه آن عزیزان تا رهایی جنبش کارگری ادامه خواهد داشت و ما کارگران ادامه دهنده راه این دو بزرگوار هستیم.

نام و خاطرات این عزیزان در دل هزاران انسان آزادی خواه و برابری طلب زنده است.

عثمان اسماعیلی

۲۰-۱۰-۱۴۰۳

**\*جان باختن یک کارگر در کامیاران بر اثر سقوط از ارتفاع**

روز چهارشنبه 19 دی، یک کارگر نماکاربنام عارف چهارارکان حین کار در یک ساختمان در کامیاران بر اثر سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)